

## وب سایت استاد موسوی



تاریخ روز : ۰۷ / ۰۴ / ۱۳۹۷

تاریخ ثبت : ۰۲ تیر ۱۳۹۵

عنوان : شیخ انصاری(تابش نهم)

«بسمه تعالی»

### شیخ انصاری(تابش نهم)

تابش (9) زندگی شیخ انصاری : شیخ انصاری (اعلی ... مقامه) و احترام به سادات

بعد از فوت شیخ انصاری(اعلی الله مقامه) یکی از شاگردان، ایشان را در عالم رؤیا دید که در یک مجلسی هستند، "شیخ محمد حسن" صاحب جواهر (استاد ایشان) هم هست و چند تن دیگر از جمله "شیخ اسد الله بروجردی" هم هستند. یک لجنه ای است، مجلسی است، 14 نور مقدّس در این مجلس اند! شیخ اسد الله پایین مجلس نشسته است، صاحب جواهر هم پایین تر از ایشان نشسته اند؛ فاطمه(س) آن سو است!! امامان معصوم هم هستند!! و علماء آن سویند؛

اما همین که شیخ انصاری وارد شدند، یکباره نوری از میان انوار برخاست، - و آن مولانا حجت ابن الحسن(عج) بودند- خطاب به شیخ فرمودند:

إلیّ ، إلیّ ، إلیّ یا سندی!! بیا، بیا، بیا... ای سند ما، ای محکم ما! ...

شیخ را بسیار احترام و احسان کردند، نزد خودشان آوردند، دستی گذاشتند روی زمین، فرمودند: "شیخنا اجلس!" ای شیخ ما، اینجا بنشین!!

سپس خطاب به مادرشان فاطمه(س) فرمودند:

«یا امّاه هذا ملا مرتضی الدزفولی !!»

این ملا مرتضی دزفولی است!

فاطمه(س) عنایت عجیبی بر او نمودند و از جای برخاستند... یعنی مجلس تمام شد.

شاگرد گفت: رفتم به نزد استاد، گفتم استاد، می دانم که شما عزیزید. اما این مقام شما از کجاست؟

شیخ انصاری فرمودند باید از مولا بپرسم!

-مولا! حجة بن الحسن من که اینقدر ارزش نداشتم، که به من بها دادید! موضوع چیست؟

حضرت حجت(عج) فرمودند: از مادرم فاطمه بپرس، تا به شما جواب بدهد!!

صدایی برآمد، حضرت فاطمه(س) فرمودند : بدان این همه احترامی که به تو نمودیم از آن احترامی است که به

بچه سیدها می‌کردی !!

آری، شیخ انصاری از آن بزرگوارانی بودند که اگر در حلقه درسشان از ذراری فاطمه(س) بود، تا او وارد نمی شد، درسش را ادامه نمی داد!!

شاگرد سید او که وارد می شد به احترام او چند ثانیه ساکت می شدند، بعد درسشان را ادامه می دادند؛

در کوچه های نجف به یک سید بچه ای که می رسیدند، تا او رد نمی شد، ایشان از آنجا عبور نمی کردند، این احترامی بود که شیخ به فرزندان فاطمه(س) انجام می داده اند.